

جنگ نرم، فراتر از تقابل نظامی دولت‌ها در بخشی از یک جغرافیا است. این جنگ در اذهان و باورها شکل می‌گیرد و در صورت به بار نشستن ترندهای دشمن، به‌سختی می‌توان جامعه را از آثار آن مصون نمود. برای شناخت جنگ نرم، معیارهای مختلفی وجود دارد و رهنمودهای مقام معظم رهبری، چراغ راهی است که ماهیت و ابعاد این نبرد را برای امت اسلامی روشن می‌سازد. در این مقاله با تکیه بر بخشی از دیدگاه‌های روشنگرانه معظم‌له که مبتنی بر ترسیم علمی و عملی شرایط موجود و تصویرسازی از افق‌های آینده در این حوزه با تکیه بر شناخت جبهه معارض و همچنین شناخت و توسعه توان نیروهای جبهه خودی است، ماهیت جنگ نرم و راهکارهای مقابله با آن، ارائه و تحلیل خواهد شد.

■ واژگان کلیدی:

مقام معظم رهبری، جنگ نرم، تهاجم فرهنگی، اسلام، انقلاب اسلامی، غرب.

جنگ نرم از دیدگاه مقام معظم رهبری

سیدمسعود جزایری

معاون امور بسیج و فرهنگ دفاعی ستادکل نیروهای مسلح
kt.iran@gmail.com

مقدمه

جنگ نرم، تجلی عرصه‌ای جدید از تقابل غرب با جهان اسلام و به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان ام‌القرای جهان اسلام است. در این نبرد، غرب به‌ویژه آمریکا با راه‌اندازی شبکه‌های اجتماعی به ظاهر مردمی و غیردولتی، با به‌کارگیری منابع قدرت نرم^۱ نظیر فضای سایبری، با تهییج و تحریک افراد عادی و ترغیب برخی مراجع فکری، با پیام‌های به‌ظاهر جذاب اما فریبنده، حقایق فرهنگ اسلامی و باورهای الهی را انکار می‌نماید و در تلاش است تا ارزش‌های مادی و دنیوی خود را که بر ماتریالیسم متکی است، به‌عنوان ارزش‌هایی جهانی چنان در جهان حاکم کند که همگان این فرهنگ را به‌عنوان فرهنگ معتبر و عام بپذیرند و میراث فرهنگی و دینی و داشته‌های خودی و بومی را به‌خاطر آن کنار بگذارند؛ آن‌گونه فکر کنند که آنها می‌خواهند و آن‌گونه عمل نمایند که آنها صواب می‌شمارند. از این‌رو، جنگ نرم که نامحسوس و تدریجی است، نبرد در فضای غفلت و فریب افکار است که باورها و اندیشه‌های افراد را مجرای دستیابی به نظامی نوین و تک‌قطبی در جهان برای آمریکا می‌شمارد؛ نبردی که اولویت را به تسخیر اذهان افراد می‌دهد تا در سایه آن یا متعاقب آن، تسخیر سرزمینی صورت پذیرد و ماندگار شود. برای اینکه این اشغال در جوامع مقاوم در برابر تهدید نظامی محقق شود، دشمن رهیافت فرهنگی را به نبرد خود افزوده‌است. به‌تعبیر مقام عظمای ولایت، کاری که دشمن از لحاظ فرهنگی می‌کند، یک تهاجم فرهنگی بلکه یک «شبیخون فرهنگی»، «غارت فرهنگی» و یا «قتل عام فرهنگی» است.

طی چند سال اخیر به‌ویژه پس از حوادث مربوط به جریان فتنه، شناخت جنگ نرم و مقابله با آن مورد تأکید مسئولان نظام بوده و هست. در این رابطه، فرموده‌های رهبری به‌منزله راهنمای عملی برای همه مسئولان، نخبگان و ملت و حتی جهانیان است تا با شناخت این جنگ نوین نظام سلطه، جامعه خود را از ترفندهای سلطه‌گران و نظام استعماری جهانی آمریکا مصون دارند و به استقلال و عزت ملی جامه عمل بپوشند. معظم‌له در بیانات مختلف و متعدد ضمن پردازش ابعاد مفهومی و بافت جنگ نرم، عناصر اساسی دخیل در مؤلفه‌های آن را مورد تأکید قرار داده و توجه نخبگان و مسئولین و همچنین

۱. قدرت نرم‌افزاری پیش از آنکه توسط محافل فکری غربی و نظریه‌پردازانی نظیر ژوزف نای (متقی)، (۱۳۸۶: ۸) به‌صورت نظری و آکادمیک مطرح شود، توسط حضرت امام خمینی (ره) به‌صورت عملی و عملیاتی با پایه‌ریزی نظام اسلامی و ایجاد سنگ‌بناهای گفتمان انقلاب اسلامی تجسم عینی یافت.

عموم را به این نوع جنگ فراگیر و سراسری دشمنان علیه ملت‌های آزاده جلب نموده‌اند. در این مقاله، با تکیه بر سخنان ایشان، علاوه بر ویژگی‌ها و خصلت‌های مهم جنگ نرم که در مرحله شناخت آن مهم و اثرگذار است، به راهکارهای اساسی در روند مقابله با این جنگ استکبار جهانی علیه ایران اسلامی نیز از نگاه معظم‌له خواهیم پرداخت.

الف. مؤلفه‌ها و عناصر جنگ نرم

جنگ نرم دارای عناصر و مؤلفه‌های متعدد است و در آن، به‌گونه‌ای از ابزارها و علوم و دانش استفاده می‌شود که خلاقیت‌ها و تولید افکار و حفظ باورهای دینی، به نفع استقرار نظام فرهنگی لیبرال در جهان تضعیف شود و همه آنچه در عرصه‌های مختلف زندگی است، به خدمت آنها در آید. مسئله‌سازی و القای ناامیدی، ایجاد کج‌فهمی، تردید، اختلاف درونی و بیرونی، ترویج فساد، فحشا و تحقیر توانمندی‌های ایران و ایرانی، جذب و اغفال نخبگان برای ناکارآمدسازی و ایجاد بی‌ثباتی در عرصه‌های مختلف و جایگزین کردن فرهنگ، معیارها و ارزش‌های غربی، از عمده مؤلفه‌های آن به حساب می‌آید. مقام معظم رهبری با درک عمیق فرهنگی جنگ نرم، تأکید فرموده‌اند که: ماهواره، تلویزیون، ویدئو، کتاب، روزنامه و شب‌نامه در زمره ابزار فرهنگی هستند که تهاجم فرهنگی با بهره‌گرفتن از آنها صورت می‌گیرد. اما تهاجم فرهنگی، بعد دیگری نیز دارد که با تکیه بر مایه‌های فرهنگی یعنی فکر، اندیشه و برداشت‌های مختلف و با جهان‌بینی‌های گوناگون به انجام می‌رسد و امروز کشورهای مختلف جهان و حتی کشورهای اروپایی از تهاجم فرهنگی آمریکا نگران‌اند و برخی کشورهای آسیایی با تدوین راهبردهای ملی، درصدد برآمده‌اند که راه فعالیت نامحدود ماهواره به‌ویژه نوع و سطح پیام‌ها و داده‌های قابل دسترسی آنها را ببندند. ایشان در جایی دیگر، نه تنها سامانه‌های فنی و فناوری، بلکه حتی دانشگاه و محصولات دانشگاهی را نیز دارای ظرفیت ایفای نقش به‌عنوان ابزار جنگ نرم دشمن شمرده‌اند: «در دانشگاه، در بیرون دانشگاه، حتی در رسانه‌های جمعی ما، در کتاب‌هایی که می‌نویسند، در ترجمه‌هایی که می‌کنند، در شعرهایی که می‌سرایند، در برنامه‌های فرهنگی علی‌الظاهر بی‌ارتباط به ما که در دنیا وجود دارد و خبرش را می‌شنوید، همه‌جانبه آرایش نظامی فرهنگی بسیار خطرناک علیه انقلاب درست شده است.»

تعریف جنگ نرم

جنگ نرم تهاجمی است روانی، فرهنگی و هدفمند که تلاش دارد با استفاده از ابزارهای متنوع به مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی جامعه اسلامی حمله کرده، ذهن مردم را عوض نماید و با دور ساختن آنها از راه اسلامی و انقلابی، اراده خود را تحمیل کند. این جنگ به‌عنوان چهره نظام‌مند شده تهاجم و شبیخون فرهنگی، یکی از برنامه‌ریزی‌های دشمن است که ایجاد اختلال درونی و تأثیرگذاری بر کنشگری‌ها، ساختارها و نظام اعتقادی و دیگر مؤلفه‌های داخل جامعه و کشور را دنبال می‌کند و البته برای دستیابی به این هدف، علاوه بر اقداماتی که مستقیماً معطوف به امور داخلی کشور هستند، مؤلفه‌های حوزه روابط خارجی را نیز که دارای تأثیر بر داخل کشور است، مورد حمله قرار می‌دهد. فرایند و طرز هدف‌گیری دشمن در روند جنگ نرم که بر عناصر روانی و فکری استوار است، مقاصدی از همین دست را مورد تمرکز قرار می‌دهد. به همین منظور، این جنگ برای از میان بردن اراده‌های پولادین در ملت‌هایی راه‌اندازی شده است که با تکیه بر همین اراده‌ها، تاکنون توانسته‌اند در برابر همه توان و قدرت‌های مادی دشمن بایستند و مقاومت نمایند. در واقع، برای دولت‌هایی که مرعوب قدرت نظامی غرب بوده یا قادر به مقاومت در برابر این نوع حمله‌ها نبوده‌اند، جنگ نرم موضوعیت ندارد. چون آنها با ابزارهای سخت، زودتر به اهداف خود دست یافته‌اند. اما این جنگ سخت در مورد ملت‌های مقاوم و متکی به خود، مستقل و دارای عزم‌های پولادین کارساز نبوده و نیست. از این‌رو، آنها با جنگ نرم، به‌تدریج و در دورنمای زمانی طولانی، درصدد تحقق همان اهداف شوم خود برآمده‌اند. در مورد ملت مسلمان ایران که این اراده در ایمان و اعتقاد الهی آنها نهفته است، جنگ نرم نیز به‌دنبال ضربه‌زدن به این عزم و ایمان و تبدیل نمودن ایمان الهی، به اعتقادات سست و دنیامحوری است که سازش و حل شدن در منظومه فرهنگی و سیاسی غرب را پذیرا باشند.

به تعبیری شیوا، «جنگ نرم یعنی ایجاد تردید در دل‌ها و ذهن‌های مردم. یعنی جنگ به‌وسیله ابزارهای فرهنگی، به‌وسیله نفوذ، به‌وسیله دروغ، به‌وسیله شایعه‌پراکنی، با ابزارهای پیشرفته‌ای که امروز وجود دارد (دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۸۸/۹/۴).» در جنگ نرم، دشمن به سراغ سنگرهای معنوی، ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور می‌آید که اینها را منهدم بکند و نقاط قوت را در تبلیغات

خود به نقاط ضعف تبدیل کند، فرصت‌های یک نظام را به تهدید تبدیل کند». (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۷/۲). تبیین فوق از جنگ نرم، کلان و عام‌الشمول است و فلسفه و ماهیت وجودی جنگ نرم را بیان می‌سازد، جنگی که در همه محیط‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی با همین مؤلفه‌ها جریان یافته و در حال جریان است. از این‌رو، جنگ نرم از آن جهت که بر مؤلفه‌های روانی، عاطفی، احساسی و فکری انسان‌ها متمرکز است، نوعی جنگ روانی است و دیدگاه رهبری نیز بر همین نکته تأکید دارد. با این حال، این جنگ با بهره‌گیری از علوم و فنون روان‌شناختی فردی و گروهی، وضعیتی مستقل و متفاوت از عملیات‌های روانی گذشته یافته است. در برخی ارتش‌های غربی، روان‌شناسی نظامی و جنگ در برنامه آموزشی نیروهای مسلح قرار دارد.^۱ در گذشته، عملیات روانی بر پایه یافته‌های این علوم شناختی اما به‌عنوان جزئی از جنگ سخت در مقدمات آن به‌عنوان تسهیل‌کننده اقدام نظامی و یا در انتهای آن به‌مثابه عملیات ثبات، به‌کارگیری می‌شد. اما امروزه، عملیات نرم حتی در شرایط نبود حمله نظامی نیز معنا دار شده بلکه خود صحنه‌ای ویژه از نبردهای جدید را شکل داده است. از نظر مقام معظم رهبری، عناصر روانی و روحی جنگ نرم برجسته‌ترین عناصر آن به‌شمار می‌رود که وجه تمایز آن با جنگ‌های گذشته را تشکیل می‌دهد.

رهبری علاوه بر تشریح نمودن جنبه‌های کارکردی جنگ نرم، جنبه‌های معناشناختی برخی نموده‌های دیگر آن را نیز در قالب تعریف کاربردی ارائه داده و ارتباطی اندامی میان جنگ نرم در کلیت آن و مصادیق یا محورهای ویژه این جنگ برقرار نموده‌اند. به‌عنوان مثال، در مورد تهاجم فرهنگی فرموده‌اند که «تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه سیاسی یا اقتصادی، برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن هجوم می‌برد». (دیدار وزیر و معاونین و رؤسای مناطق آموزش و پرورش، ۷۱/۵/۲۱). همان‌گونه که پیداست، حوزه اصلی آماج در این هجوم، حوزه فرهنگی است. زیرا فرهنگ - به‌معنای موسع و جامع آن - اساس و بستر دیگر عرصه‌های حیات اجتماعی است. در این منظر، تهاجم فرهنگی مقوله‌ای مجزا از جنگ نرم نیست بلکه صورتی ویژه از این نبرد وسیع و پردامنه است که نقاط تمرکز و وجوه خاصی از آن نبرد عام را در گستره‌ای معین تعقیب می‌نماید. از دید دیگر، می‌توان این تنوع ادبیات را

پردازش موضوعی عام در زوایا و جهات خاص و ویژه دانست که هر کلیدواژه بر ابعادی معین تمرکز عمده دارد در عین اینکه شناخت ناظر بر صورت کلی و جریان و روند عمومی مربوط به پدیدار مذکور پایدار می ماند.

وجود جنگ نرم

شناخت و احراز وجود جنگ نرم، مقدم بر تحلیل پدیدارشناختی آن است و در این زمینه باید به ابهام و تردیدهایی که محصول نگاه سطحی به جریان هجوم غرب به ملت‌های دیگر است، پاسخ داده شود. با در نظر گرفتن طرح‌ریزی و برنامه‌های مختلف غرب علیه کشورمان (شواهد عینی) و یافته‌های متکی بر فرامین رهبری و اسناد راهبردی نظام، جنگ نرم یک واقعیت در ادبیات دفاعی - امنیتی و فرهنگی کشور است. حتی اسناد راهبردی دشمن نیز این مسئله را به وضوح نشان داده است. با این حال، برای اینکه هرگونه تردید در این رابطه برطرف شود و یک افق مفهومی در مجموعه نظام و ادبیات ملی در این زمینه پدید آید، رهبری ضمن احراز واقعیت و وجود جنگ نرم، ابعاد و عرصه‌های مختلف این جنگ را تبیین نموده و تذکر داده است که مسئولان از وجود این نبرد دامنه‌دار غفلت نورزند و در دام تردید و اشتباه نیفتند. به تعبیر معظم‌له «وقتی انسان، تجهیز، صف‌آرایی، دهان‌های با حقد و غضب گشوده شده و دندان‌های با غیظ فشرده شده علیه انقلاب، امام خمینی و آرمان‌های نظام اسلامی را می بیند وجود این جنگ نرم را باور می کند هر چند ممکن است عده‌ای اینها را نبینند». (بیانات در دیدار اهل قلم، شهریور ۱۳۸۸)

جنگ نرم در همه سطوح آن، واقعیتی غیرقابل انکار است که ملاحظه مظاهر آن زیاد هم دشوار نیست اما به شرط آنکه با درایت بتوان آن را از برخی پدیده‌های امنیتی قدیمی تفکیک نمود و در انکار آن لجاجت بیهوده را کنار گذاشت: «من یک وقت گفتم دشمنان شبیخون فرهنگی می زنند. این ادعا راست است و خدا می داند که راست است. بعضی نمی فهمند؛ یعنی صحنه را نمی بینند. کسی که صحنه را می بیند، ملتفت است که دشمن چه کار می کند و می فهمد که شبیخون است و چه شبیخونی هم هست». (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگرد و روز معلم، ۷۷/۲/۱۵) نهایتاً اینکه جنگ نرم را رهبری به عنوان امری پیدا و آشکار معرفی می کند که به صورت زیرکانه در دستور کار غرب قرار گرفته است: «اینکه ما مکرر گفته ایم و می گوئیم که توطئه فرهنگی

در جریان است و من آن را به عیان در مقابل خودم مشاهده می‌کنم، متکی به استدلال است. شعار نمی‌دهم، من این را مشاهده می‌کنم. امروز دشمن با شیوه بسیار زیرکانه‌ای در داخل، در حال یک جنگ و مبارزه تمام‌عیار فرهنگی علیه ماست. ما باید این مقوله تهاجم فرهنگی را یک مقوله حقیقی و جدی به حساب بیاوریم». (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۱/۹/۱۹)

سپس ایشان با نکوهش انکار بی‌دلیل این پدیده، آن را مورد انتقاد قرار می‌دهند و قبول این واقعیت را از لوازم راهبری و مدیریت اقدامات مقابل علیه آن می‌شمارند: «این مسئله تهاجم فرهنگی که ما بارها روی آن تأکید کرده‌ایم، واقعیت روشنی است. با انکار آن ما نمی‌توانیم اصل تهاجم را از بین ببریم. تهاجم فرهنگی را نباید انکار کرد، وجود دارد. به قول امیرالمؤمنین (صلوات الله علیه)، من نام لم ینم عنه، اگر شما در سنگر خوابت برد، معنایش این نیست که دشمنت هم در سنگر مقابل خوابش برده‌است. تو خوابت برده، سعی کن خودت را بیدار کنی» (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۰/۹/۲۰).

در رابطه با توصیف جنگ نرم، اندیشمندان مختلف به ارائه مفاهیم و عناوینی مختلف پیرامون آن همت گمارده‌اند و البته در این زمینه، گاه روند واکاوی ادبیات جنگ نرم در مسیر صحیح و بایسته خود قرار نگرفته است. تعبیر فرماندهی کل قوا از این جنگ، برای اینکه موجبات پایه‌ریزی ستون‌های فهم دقیق و وحدت‌نظر را برقرار می‌سازد، شایسته توجه ویژه است. معظم‌له جنگ نرم را «جنگ در داخل خانه‌ها» به‌مثابه نبردی سازمان‌یافته نامگذاری نموده‌اند: «همه جنگ، داخل جبهه‌ها نیست. بسیاری از مسائل جنگ داخل خانه‌هاست، در راه‌هاست، داخل دل‌هاست، در مجموعه‌های تصمیم‌گیری است، در مجامع بین‌المللی است؛ ما با یک تهاجم و جنگ حقیقی و سازمان‌یافته مواجه هستیم که از راه‌های مختلف و بسیار هنرمندانه به اجرا گذاشته شده است و کسانی که نسبت به مسائل فرهنگی حساسیت داشته باشند متوجه مسئله تهاجم فرهنگی خواهند شد و نشانه‌های بارز و بی‌شماری را در این زمینه مشاهده خواهند کرد. بنابراین، کار فرهنگی در ایران مسئله‌ای است که نمی‌توان لحظه‌ای از آن غفلت کرد» (دیدار مدیران و هنرمندان دفاع مقدس، ۷۹/۷/۶).

نکته این است که تحلیل‌گران غربی هم از سابقه و دیرینه اقدامات نرم غرب علیه

اسلام و مسلمین پرده برداشته و به صورت مفصل، این صحنه را به تصویر کشیده‌اند.^۱ از این رو، با آگاهی از این هجمه‌ها، صحنه موجود بین‌المللی صحنه‌ای از کارزار محسوس و نامحسوس غرب با اسلام به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد. مقام معظم رهبری در این خصوص می‌فرماید: «الان یک کارزار فکری و فرهنگی و سیاسی در جریان است. هر کس بتواند بر این صحنه کارزار و نبرد تسلط پیدا کند، خبرها را بفهمد، احاطه ذهنی داشته باشد و یک نگاه به صحنه بیندازد، برایش مسلم خواهد شد که الان دشمن از طرق فرهنگی، بیشترین فشار خود را وارد می‌آورد» (بیانات مقام معظم رهبری، ۶۹/۲/۱۲).

جنگ نرم، اوج تهاجم فرهنگی است: «یکی از کارهای بسیار مهمی که امروز در دستور کار آنهاست، تهاجم خبری، تبلیغی، فرهنگی و اخلاقی به کشور ماست. امروز این تهاجم، اوج تهاجم فرهنگی است. البته مخصوص کشور ما نیست؛ در همه‌جا اینها دارند کار فرهنگی می‌کنند؛ منتها ما آماج هدف آنها هستیم. بسیاری از هدف‌های استکبار جهانی در زمینه‌های تبلیغی و فرهنگی و رسانه‌ای متوجه به ماست؛ ما باید در مقابل اینها خود را مجهز کنیم (دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۸۳/۹/۱۱).

اهداف جنگ نرم

روشن است که جنگ در همه انواع و ابعادش، دارای هدفی واحد و مشترک یعنی کسب پیروزی و تسلط یافتن بر رقیب است. با این حال، با تمرکز بر چیستی و نوع‌شناسی آنچه در این سلطه جستجو می‌شود، می‌توان گفت که جنگ نرم به صورت اولیه و از همان ابتدا، مقوله‌های سرزمینی نیست بلکه تسلط سرزمینی را از طریق تسلط بر دل‌ها و افکار جستجو می‌نماید. یعنی دشمن به صورت مستقیم به دنبال به دست آوردن سرزمین یا از میان بردن تأسیسات و نقاط حیاتی و حساس یک کشور نیست بلکه اهدافی غیرمادی بلکه اندیشه‌ای و اعتقادی را دنبال می‌کند. از طرف دیگر، برای کشوری نظیر آمریکا که ماهیت و ذات آن بر استعمار و استثمار استوار است، مؤسسه الامام الخميني، ۱۹۹۸: ۱۴-۱۶) پی‌جویی انهدام منابع مادی و معنوی ملت‌های مقاوم و مدافع، راهبردی دائمی بوده و این امر برای ملت‌ها و آگاهان جهان امری شناخته‌شده و روشن به نظر می‌آید.

«در جنگ روانی و آنچه که امروز به او جنگ نرم گفته می‌شود در دنیا، دشمن به

۱. نک به: الیاسی، ۱۳۸۴: ۱۳-۴.

سراغ سنگرهای معنوی می‌آید که آنها را منهدم کند. به سراغ ایمان‌ها، معرفت‌ها، عزم‌ها، پایه‌ها و ارکان اساسی یک نظام و یک کشور، دشمن به سراغ اینها می‌آید که اینها را منهدم بکند» (دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۷/۲). تبیین فوق از جنگ نرم، اهداف این جنگ را به صورت کلان و عام‌الشمول بیان می‌دارد و این امر، اختصاص به جامعه اسلامی ندارد هر چند در جامعه دینی و اسلامی این هدف به صورت ویژه و با تمرکز و دقت بیشتری در دستور کار دشمن قرار دارد.

البته با خاموش شدن شعله فکر و ایمان در هر جامعه، اشغال سرزمین و به یغما بردن منابعش کار دشواری نخواهد بود. زیرا آنچه احیای تمدن‌ها و انقلاب در برابر اشغال و ستم را ممکن می‌سازد، همین فکر و ایمان است. چه بسیار ملت‌های ستمدیده مشرق‌زمین و حتی غرب که با روشن شدن همین شعله‌ها و با ایمان و اعتقاد راسخ، به اشغال‌ها و ستم‌های اشغالگران استعماری بر کشورشان خاتمه دادند و سرنوشت‌شان را خودشان به دست گرفتند. به واقع، آنچه موجب سلطه دائمی دشمن بر یک ملت می‌شود، اشغال سرزمین نیست. بلکه اساساً اشغال فکر و ایمان آنها خواهد بود. چنین اشغالی، ماندگار بوده، موجب سلطه مستمر و بقای نظام‌های استثماری بیگانه بر ملت‌های دیگر خواهد شد. از همین روست که حساس شدن نسبت به هر بُعد از ابعاد جنگ نرم، به منزله چنگ زدن به رشته‌هایی است که نجات یک ملت آماج حمله نرم غرب را ممکن و هموار می‌سازد. هویت ملت و جامعه ما در دو محور عمده خلاصه می‌شود: عناصر هویتی دینی و اسلامی از یک سو و عناصر هویتی ملی سازگار با اسلام. گفتمان انقلاب اسلامی در جهان، نقطه تلاقی هر دو محور مذکور است. زیرا علاوه بر جنبه‌های اسلامی آن که روح این جنبش و نهضت را تشکیل می‌دهد بر عادات حسنه و نوع‌دوستی در ایران و احساس مسئولیت نسبت به همه انسان‌ها استوار است که این جنبش را هم جنبشی اسلامی و هم فرهنگ ایرانی جلوه‌گر ساخته‌است؛ جنبشی که نام ایران را در جهان به پرچمداری حمایت از مستضعفین تبدیل نموده است. دشمن برای تضعیف حرکت متعالی و توسعه‌یابنده این جامعه، هر دو عنصر مذکور را گاه به صورت مجزا و گاه همزمان مورد حمله قرار داده‌است. تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و سیاسی هم خطرناک‌تر است. چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۷۹/۸/۲).

ما باید توجه داشته باشیم که انقلاب فرهنگی در تهدید است کما اینکه اصل فرهنگ ملی و اسلامی ما در تهدید دشمنان است (بیانات در دیدار اعضای شورای انقلاب فرهنگی به مناسبت هفتمین سال تشکیل این شورا، ۷۰/۹/۲۰).

هدف تهاجم فرهنگی دشمن این است که ذهن مردم را عوض کند؛ از راه اسلام منصرف نماید و از مبارزه ناامید سازد (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلم، ۷۷/۲/۱۵).

این اسلام است که امروز در مقابل این همه قدرت‌نمایی در دنیا حضور دارد و از آن می‌ترسند. این اسلام است که هنوز ملت‌ها را به خود جذب می‌کند... این تنها سنگری است که در مقابل استکبار و در مقابل شیطان و شیطنت با این عظمت، باقی است (بیانات در گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور، ۷۰/۶/۲۵).

دشمنان جمهوری اسلامی ایران باورهای سیاسی و دینی و نیز عادات حسنه ملت ما را با تکیه بر ابزارهای فرهنگی هدف‌گیری کرده‌اند و این کار را بسیار دقیق انجام می‌دهند و اکنون فرهنگ اسلام ناب که انقلاب اسلامی براساس آن بنیان نهاده شده است، دقیقاً هدف تهاجم دشمنان اسلام قرار دارد (دیدار خانواده‌های معظم شهدا، مفقودان، جانبازان و آزادگان استان خوزستان، ۷۵/۱۲/۱۸).

روشن است که در نبرد غرب با جهان اسلام، ایران که پرچمدار واقعی حمایت از اسلام و مسلمانان در جهان است، به‌عنوان جبهه نخست پیشروی این نبرد محسوب می‌شود. همان‌گونه که گفته شد، یکی از محورهای مبارزه آنها با ایران، تضعیف عجین شدن فرهنگ ایران با اسلام و آموزه‌های اسلامی است؛ آموزه‌هایی که تسلیم شدن در برابر خواسته‌های استکبار را در قالب نفی سبیل ممنوع شمرده است. به گفته شهید مطهری «استعمار سیاسی و اقتصادی آنگاه توفیق حاصل می‌کند که استعمار فرهنگی توفیق به‌دست آورده باشد و بی‌اعتقاد کردن مردم به فرهنگ خودشان و تاریخ خودشان شرط اصلی این موفقیت است، استعمار دقیقاً تشخیص داده و تجربه کرده؛ فرهنگی که مردم به آن تکیه می‌کنند، فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی است. پس مردم از آن اعتقاد و از آن ایمان و از آن اعتماد و حسن ظن باید تخلیه شوند تا آماده ساخته شدن طبق الگوی غربی گردند» (مطهری، ۱۳۶۲: ۳۵۳).

فرهنگ، سنگ بنا و آب حیات هر جامعه و به تعبیر رهبری، «روح کالبد جامعه» است

که خوشبختی و یا ناکامی آن را باید در همین عنصر جستجو نمود. از این رو، مادامی که فرهنگ ما به قوت خود باقی است و همچنان مقاوم بماند، دشمن در هرگونه تهدیدی ناکام خواهد ماند. از این رو، آنها استحاله فرهنگی و فکری را به عنوان راهکار اضمحلال از درون به کار گرفته‌اند تا این مایه حیات جمعی و ماندگار را هدف قرار دهند (دیدار با اعضای انجمن قلم، ۸/۱/۱۷). به تعبیر ایشان، «سرانگستان دشمن برای تسخیر فرهنگی کشور و استحاله فکری مردم تلاش می‌کنند» (دیدار با اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور، ۸/۱/۵).

از سوی دیگر، فرهنگ اسلامی و ایرانی، دارای مبانی و ریشه‌هایی غیرقابل انقطاع است. دشمن برای اینکه بتواند این فرهنگ را حذف یا مورد تضعیف قرار دهد، به دنبال رایج کردن الگوهای فرهنگی دیگر است؛ الگوهایی که بتوانند جایگزین فرهنگ اصیل و خودی شده، نیاز اعضای جامعه به فرهنگ را از این طریق تأمین نمایند. از همین رو، به صورت تدریجی و گام به گام، عناصری را که در هسته و مرکز ثقل این فرهنگ قرار دارند، در روند استحاله فرهنگی قرار داده‌اند و به تحمیل فرهنگ خود رو آورده‌اند.

یک ملت با نیروی ایمان و اعتقادش مبارزه می‌کند. اصلاً مبارزه و جنگیدن و مقاومت کردن، با ایمان است و نه با دست و چشم و بدن. دست و چشم و بدن، ابزار است.» (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلم، ۷۷/۲/۱۵). در جنگ نرم، این ایمان و اعتقاد را هدف گرفته‌اند تا مورد تضعیف و سستی قرار دهند یا باورهای ماتریالیستی و مادی یا دنیامحور را جایگزین آن کنند. «دشمن در تهاجم فرهنگی خود سعی می‌کند مقاومت را در میان مردم ما از حیثیت و اعتبار بیندازد؛ در واقع مقاومت‌شکنی کند و سنگرها را از بین ببرد. مهم‌ترین سنگر یک انسان، ایمان و انگیزه و عشق اوست. نباید اجازه دهید این سنگر را در دل‌ها فرو بریزند و از بین ببرند. هدف قدرت‌های استکباری از تهاجم فرهنگی علیه انقلاب اسلامی، بی‌اعتقاد کردن نسل نو به دین، اصول انقلابی و تفکر فعالی است که دشمنان اسلام را به هراس انداخته و قلمرو قدرت آنان را در معرض خطر قرار داده‌است» (دیدار با وزیر و معاونین آموزش و پرورش، ۷۰/۱۰/۲۵). همچنین «خاموش کردن روحیه جهادی و کوشش در صحنه‌های انقلاب و میدان سازندگی و جایگزین کردن روحیه ضد جهادی به جای آن و نیز پشیمان کردن مجاهدان راه خدا از مجاهدت‌های گذشته، نقطه مهم حمله دشمن در تهاجم فرهنگی

علیه نظام اسلامی است. دشمن به شیوه‌های مختلف می‌کوشد مهم‌ترین عقاید و پایه‌های فرهنگی را مورد حمله قرار دهد» (آغاز دهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه، ۷۳/۶/۲۱). «جایگزین کردن فرهنگ بیگانه به جای فرهنگ عمومی مردم و نیز حمله به ارزش‌های نظام جمهوری اسلامی و باورها و اعتقادات ملت مسلمان ایران دو محور اساسی و مهم در تهاجم فرهنگی دشمن محسوب می‌شود. اکنون دشمن در سطح وسیعی ابزارهای متعددی خود را در تهاجم به بنیان‌های فرهنگی و اعتقادی ملت ایران به کار گرفته‌است و تحقیر جریان ادب، هنر و فرهنگ انقلابی در کشور و در نتیجه آن انزوای عناصر فرهنگی، ادیب و هنرمند و نیز منصرف کردن جوانان مؤمن از پایبندی متعصبانه به ایمان و اعتقادات خود، یکی از اهداف مهم تهاجم فرهنگی است».

برخلاف تبادل فرهنگی، در تهاجم فرهنگی امکان‌پذیر و اختیار وجود ندارد و هدف از آن به تسلیم کشاندن طرف مقابل با تهاجم همه‌جانبه تبلیغاتی و تحمیل فرهنگ و اراده خود است (دیدار وزیر و معاونین آموزش و پرورش، ۷۱/۵/۲۱).

در تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، دشمن علاوه بر انتقال ارزش‌های فرهنگی مبتذل خود به ملت‌های آماج، به فرهنگ‌سازی‌های معکوس و تولید ارزش‌هایی که عکس ارزش‌های بومی هستند، مبادرت می‌ورزد تا در محیط فرهنگی آن، آرامش و زاینده‌گی عادی فرهنگی را از بین ببرد و تضاد فرهنگی بیافریند. از این‌رو، چیزهایی که به ملت مورد تهاجم می‌دهند، تنها مواردی است که موجبات انحطاط آنها را فراهم نماید. مقام معظم رهبری، این روند را «اندلسی کردن ایران» تعبیر فرموده‌اند: «سیاست امروز سیاست اندلسی کردن ایران است. موضوعی که من با شما در میان می‌گذارم شکل موعظه ندارد، بلکه موضوعی اساسی است» (در دیدار با مردم سیستان و بلوچستان، ۸۱/۱/۶).

«از شعبه‌های جنگ روانی اینها این است: اولاً بین ملت ایران اختلاف بیندازند، ثانیاً بین ملت ایران و ملت‌های دیگر مسلمان اختلاف بیندازند. مبنای کار قدرت‌های طاغوتی بر این است که فروغ امید را در دل‌ها بمیرانند. می‌کوشند که آن آینده موعود را از چشم ملت‌ها دور نگاه‌دارند. اما ملت‌ها باید امیدوار باشند تا این اراده تکوینی الهی تحقق پیدا کند. یک بخش از جنگ روانی دشمن، دامن زدن به اختلافات است. در داخل کشور ما اختلافات قومی، اختلافات مذهبی - شیعه و سنی - اختلافات جناحی، اختلافات صنفی و رقابت‌های صنفی را ترویج و تبلیغ می‌کنند. در داخل، مزدوران و ایادی‌ای هم دارند که

مقاصد آنها را در اینجا به شکل‌های گوناگون عمل می‌کنند. اینها شایعه پراکنی می‌کنند» (بیانات در اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸۶/۱/۱).

از بخش‌های مهم تهاجم فرهنگی کشاندن نسل جوان جامعه به ابتذال و فساد اخلاقی و تلاش برای این کار که این هم یکی از بخش‌های فساد علمی است. در حال حاضر تلاش وسیعی برای سوق دادن نسل جوان جامعه به سوی ابتذال و فساد اخلاقی صورت می‌گیرد و این مسئله یکی از بخش‌های اساسی تهاجم فرهنگی است.

«دشمن می‌خواهد مردم را به آینده این کشور بدبین کند. می‌خواهد مردم را به انقلاب بدبین کند. می‌خواهند تصویر تاریکی از آینده درست کنند (خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۷۹/۲/۲۳). بیگانگان تلاش می‌کنند با ایجاد یأس، انکار پیشرفت‌ها، به رخ کشیدن فاصله ملت ایران با ملت‌های پیشرفته و تیره نشان دادن افق آینده، در میان مردم و به‌خصوص جوانان، ناامیدی و انفعال ایجاد کنند؛ دشمن تهدید می‌کند، وعید و وعده می‌دهد، دائم عظمت خود را به رخ جامعه اسلامی و پیشرو می‌کشد، با زبان زور صحبت می‌کند و احياناً زبان زور را با برخی شیرینی‌های وعده‌های فریبنده در هم می‌آمیزد تا اینکه دل‌ها را گمراه کند» (دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های یزد، ۸۶/۱۰/۱۳).

وقتی یأس وارد جامعه شد، جامعه از پویایی خواهد افتاد. افراد مبتکر، نخبه، جوان و پرنشاط منزوی می‌شوند، کناره‌گیری می‌کنند، دست و دلشان به کار نمی‌رود، مشارکت‌ها کم می‌شود، پویایی جامعه از دست می‌رود. این یکی از خطوط کاری دشمن است (دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۷/۲).

ابعاد و مظاهر جنگ نرم

جنگ نرم، بُعد جامع نبردی همه‌جانبه و فراگیر در عرصه‌های مختلف اجتماعی است که رهبری با تأکید ویژه بر بستر و بافت فرهنگی این نبرد - که به ماهیت فرهنگی این نبرد و اهداف آن باز می‌گردد- ابتدا آن را با عنوان جنگ روانی و سپس تهاجم فرهنگی مورد تأکید قرار دادند: «من برنامه‌های استکبار جهانی علیه ملت ایران را در سه جمله خلاصه می‌کنم: اول: جنگ روانی، دوم: جنگ اقتصادی، سوم: مقابله با پیشرفت و اقتدار علمی» (دیدار با اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸۶/۱/۱). ایشان مجدداً تأکید فرموده‌اند که دشمن در این عرصه‌ها نیز فراگیر و همه‌جانبه عمل می‌کند و از این‌رو،

«شب‌بخون همه‌جانبه فرهنگی» (پیام به ملت ایران، ۷۷/۱۱/۲۱) را باید جدی گرفت. تهاجم و دست یافتن به وضعیت مسلط نسبت به همه ملت‌ها، اساس سیاست نظام سلطه است. اساساً همین تسلط‌یابی تحمیلی و قهری بر اراده و منابع دیگر ملت‌هاست که آمریکا و متحدانش را به «نظام سلطه» قابل تعریف نموده است. نظام سلطه که در پی غلبه یافتن بر همه جهات زندگی فردی و جمعی دیگر ملت‌ها است، هجوم و تهاجم را در همه ابعاد آن دنبال می‌کند و تاکنون نیز همه منابع قدرت خود را بدین منظور به‌کارگیری نموده است. از این‌رو، تهاجم فرهنگی تبلوری از اقدامات این نظام سلطه برای جهانی‌سازی فرهنگ خود و از میان بردن عناصر هویتی فرهنگی دیگر ملت‌ها است؛ تهاجمی که برای تبیین ماهیت سلطه‌آمیز و جنایت‌آمیز آن، به‌عنوان شب‌بخون فرهنگی یا ناتوی فرهنگی نیز تلقی شده است و البته به همین عرصه محدود نمی‌شود. بلکه دشمن از این حوزه وارد می‌شود و دریچه‌ای به روی دیگر عرصه‌های اجتماع می‌گشاید تا بتواند به‌تدریج همه محیط‌های جامعه را تحت تسلط خود درآورد.

در این تهاجم، ابزارها و عوامل مختلفی دخیل هستند تا بتوانند خواست غرب را تحقق بخشند: «بعد از عامل رسانه‌ای و تبلیغی، در درجه دوم، عامل سیاسی و اقتصادی بود. باورهای سیاسی ما، با ابزارهای فرهنگی دشمنان هدف‌گیری می‌شود. باورهای دینی ما هدف‌گیری می‌شود. یکی از راه‌های تهاجم فرهنگی این بوده‌است که سعی کنند جوان‌های مؤمن را از پایبندی‌های متعصبانه به ایمان، که همان چیزهایی است که یک تمدن را نگه می‌دارد، منصرف کنند» (۷۹/۱۱/۲۷). دشمن وقتی می‌خواهد با ابزار فرهنگی به کشور و جامعه و نظامی حمله کند، چیزهایی را هدف می‌گیرد که به نظر من امروز در کشور ما چنین چیزهایی هست. هم در عالم کتاب هست و هم در عالم مطبوعات و هم در عالم هنر (بیانات پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی، ۷۸/۷/۲۸).

علت‌شناسی و رصد علی جنگ نرم

ایران اسلامی طی سی و سه سال از انقلاب شکوهمند اسلامی خود رویه‌ای مقاوم، مستقل و متعالی از خود در جهان به نمایش گذاشته‌است. در این رویه، آنچه پیروزی و سربلندی است، از آن ملت ایران بوده و سرافکندگی و شرمساری شکست برای آمریکا و متحدانش بوده‌است. انقلاب اسلامی در همه صحنه‌های مقاومت به‌صورت سرافراز بیرون آمده و

اساساً الگویی از مقاومت پایدار و دائمی را در جهان به ثبت رسانده است؛ مقاومتی که بیش از هر چیز، بر عنصر ایمان و فکر متکی بر حاکمیت ارزش‌های الهی استوار است. از این‌روست که دشمن طی سال‌های اخیر، نبردی متفاوت را علیه کشورمان طرح‌ریزی نموده که بتواند از ناکامی‌های گذشته خود عبور کند. در گذشته، جنگ تحمیلی به جای آنکه موجب توقف انقلاب شود، منبع و منشأ خلاقیت و ارتقاء فرهنگ دفاعی و اجتماعی و شکل‌گیری روحیه خودباوری در ملت ما گردید. آنچه دشمن به‌عنوان امکان پیروزی خود به کار گرفته، به تولید خلاقیت و فکر در کشور ما منجر شده است. علت‌العلل این موفقیت‌ها، ایمان ملت و حاکمیت فرهنگی ایثار و شهادت بوده است. از همین‌روست که غرب با عبور از تهدیدهای نظامی صرف، به شیوه‌های نوینی متمرکز شده که این ایمان را دچار خلل کند. جنگ نرم، جنگی در همین راستا است.

۲۱

به تعبیر بهتر، «جنگ، ما را مصمم و استوار کرد؛ تحریم اقتصادی، ما را به فکر اتکای به خود انداخت و همه‌ی این برکات را برای ما آورد. در دوره بعد، براندازی نرم را دنبال کردند». «به علت اقتدار ملت ایران، خطر تهاجم نظامی دشمن بسیار کم است اما مخالفان سرافرازی و پیشرفت ایران، در تهاجمی خطرناک‌تر و پیچیده‌تر، مرزهای ایمانی، عقیدتی و فرهنگی را هدف گرفته‌اند که لازم است آحاد ملت به‌خصوص جوانان در مقابل تهاجم فرهنگی و نرم دشمن، کاملاً هوشیار و بیدار باشند» (دیدار مسئولان و کارگزاران نظام، ۸۵/۳/۲۹).

«یکی از مسئولان طراز اول رژیم صهیونیستی غاصب اسرائیل، در سال گذشته توصیه‌ای به آمریکایی‌ها کرد. این توصیه کاملاً در مطبوعات خارجی و اینترنت منعکس شد و امر پنهانی و مخفیانه‌ای نیست. توصیه وی به آمریکایی‌ها این بود که بیهوده وقت خود را با عراق و کره شمالی و کشورهای از این قبیل تلف نکنید. مسئله اصلی شما ایران است. اگر خاورمیانه را می‌خواهید، وقتتان را مصروف عراق نکنید، سراغ ایران بروید، کانون و سرچشمه آنجاست، اما ایران مثل عراق و کره شمالی و افغانستان نیست که بتوان با حمله نظامی آن را تسخیر کرد. نظام و حکومت اسلامی به مردم متکی است، مردم آن را حفظ کرده‌اند. باید کاری کنید که مردم آن را رها نکنند. راهش این است که مردم را با ترویج فرهنگ و ادبیات غربی و فرهنگ و تربیت آمریکایی، به واگرایی نسبت به دین و فرهنگ و سنت و تاریخشان سوق داد. وقتی مردم این تعلقات را رها کردند، بعد از

گذشت چند سال، بدون اینکه سرمایه‌ای صرف کنید، با یک حمله و تحرک احیاناً نظامی مختصر، می‌توانید این مانع بزرگ، یعنی نظام اسلامی را از سر راه بردارید» (۸۱/۱/۶).

دلیل دیگر ظهور جنگ نرم در برنامه‌های دشمن، کارکرد اسلام به‌عنوان چالشی برای فرهنگ لیبرال است. اسلام و فرهنگ اسلامی، دارای پیام جهانی و برای همه انسان‌ها است. حضرت امام (ره) هم فرمودند که «اسلام برای همه است» (صحیفه نور: ۴۳۹).

از این‌رو، این گفتمان جهانی که همه انسان‌ها را خطاب خود قرار می‌دهد، سعادت انسان‌ها و کل بشریت را خواستار است. «فرهنگ اسلامی، آرای روشنفکران اروپا را به چالش کشیده و لیبرال‌دمکراسی را که پرچم برافراشته غرب است، مورد تردید قرار داده است. فرهنگ اسلامی روح استقلال‌طلبی و رشادت را در جامعه بزرگ و یک میلیارد و چندصد میلیونی مسلمانان، ترویج می‌کند و این امر در حساس‌ترین منطقه دنیا از لحاظ استراتژیک و منابع نفتی و زیرزمینی، شدت بیشتری دارد. فرهنگ اسلامی، این جامعه بزرگ را به فکر حیات مجدد خود انداخته است، بنابراین به آن کینه می‌ورزند و قصد کوبیدن آن را دارند» (۸۱/۱/۶).

ب: شالوده‌های طرح‌ریزی راه‌های مقابله در جنگ نرم

«امروز آرایش تهاجمی فرهنگی بسیار خطرناکی علیه انقلاب به وضوح مشاهده می‌شود. زیرا جهان اسلام بیدار و هوشیار شده است. از این‌رو تهاجم فرهنگی دشمن با گذشته تفاوت بسیار دارد و شکل جدیدی پیدا کرده است و برای مقابله با آن باید با شناخت و آگاهی کامل عمل کنیم (دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۰/۹/۲۰). امروز دشمن جبهه وسیعی را با استفاده از ابزارهای مؤثر، خطرناک و کارآمد و نیز با بهره گرفتن از علم و تکنولوژی تشکیل داده است تا جمهوری اسلامی ایران را هدف یک یورش همه‌جانبه فرهنگی قرار دهد و مقابله با این تهاجم بسیار خطرناک و ویرانگر نیازمند هوشیاری و استفاده از ابزار و روش‌های مشابه دشمن و یا شیوه‌های جایگزین آن است» (بیانات در ۷۱/۹/۱۹؛ و همچنین سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی، ۱۳۷۵: ۱۵).

توصیف جنگ نرم از طریق تحلیل‌های خودی، روشنگری و پدیده‌شناسی و همچنین روندپژوهی‌ها با استفاده از ترسیم ماهیت و ابعاد مختلف این نبردها و نوع راهبردی که دشمن در این زمینه طراحی نموده است، مقدمه لازم برای دستیابی به درکی متقن از

این پدیده پیچیده و نهایتاً تدوین و ارائه راه‌های مقابله با دو رهیافت توأمان پدافندی و آفندی است. به تعبیر دیگر، شناخت جنگ نرم، مقدمه هرگونه آگاهی از نتایج عملی و تهدیدهای جنگ نرم دشمن در ابعاد و محیط‌های مختلف است. با شناخت دشمن و اینکه چه راهبردها و برنامه‌هایی علیه ما دارد می‌توان نسبت به صیانت از منابع ملی در برابر این تهدیدها اقدام نمود. با حصول شناخت است که تولید راهبرد و برنامه‌ریزی و همچنین ایجاد و هماهنگ‌سازی ساختارها، تنظیم برنامه اقدام و تصمیم‌گیری‌های مختلف راهبردی، تاکتیکی و عملیاتی محقق می‌شود. با این حال، میان راهبرد مقابله و شناخت مهندسی دشمن در مورد جنگ نرم، رابطه ماهوی وجود دارد. توفیق راهبرد مقابله ملی، منوط به آن است که شناخت از دشمن و برآورد اقدامات آن و همچنین برآورد میزان تهدید این اقدامات برای منافع ملی در حوزه‌های مختلف، دقیق و صحیح باشد.

۲۳

در هر حال، برای شکل‌گیری چنین راهبردی، یک سلسله عوامل و عناصر اولویت‌دار وجود دارند که شناخت آنها حیاتی و نقطه آغاز مراحل دفاع ملی است. «تهاجم فرهنگی یک جبهه شناخته نشده دشمن است و لذا باید آن را شناخت» (دیدار با فرماندهان سپاه، ۷۱/۶/۲۶). نخبگان، ستون و کلیدواژه‌ای هستند که هم شناخت جنگ نرم را ممکن می‌سازند و هم در مدیریت ملی مقابله با تهدیدهای نرم دشمن سهیم‌اند. علاوه بر این، اصولی ماهوی بر طرح‌ریزی ملی مقابله با جنگ نرم دشمن وجود دارد که مقام معظم رهبری اهم این اصول را با شفافیت و تدبیر مورد تأکید قرار داده‌اند. در اینجا به برخی از این موارد با تکیه بر دیدگاه‌های معظم‌له اشاره می‌شود. شایان ذکر است که بیانات معظم‌له به‌صورت مبسوط و مشروح بوده، در اینجا تنها برخی از آنها اشاره می‌شود.

دشمن‌شناسی و آفند آینده‌پژوهانه

امروز ما در یک میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری قرار داریم (دیدار علماء و روحانیون کرمان، ۸۴/۲/۱۱) ما آماج هدف دشمن هستیم (دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۸۳/۹/۱۱). اینکه ما بتوانیم طرح کلی دشمن را در مورد خودمان بدانیم، بخشی از توان دفاعی ما است. ندانستن اینکه دشمن چه در سر دارد و چه می‌خواهد بکند، غفلتی است که ممکن است ما را از امکان برخورد و دفاع محروم کند. ما باید این را کاملاً بدانیم (بیانات در جمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۸۲/۲/۲۲).

ملت ایران به همان نسبت که دشمن، روش‌های خود را در توطئه علیه ایران اسلامی پیچیده‌تر می‌کند، باید بر هوشیاری و آگاهی خود بیفزایند و با آمادگی معنوی، فکری، سیاسی و حفظ وحدت و اتصال و ارتباط با یکدیگر، چهره دشمن را در هر لباسی که هست، شناسایی کند (بیانات در اجتماع بزرگ نیروی مقاومت بسیج مردمی به مناسبت سالروز تشکیل بسیج، ۱۳۷۶/۹/۵). اگر فرض کنیم که دشمن بر سر هر راهی وجود دارد، خردمندانه نیست که انسان، دشمن را نبیند. یک جبهه وجود دارد که به شکل منظم و سازمان یافته دارد حمله می‌کند و اگرچه این طرف کار زیادی انجام می‌گیرد، اما یک حرکت متشکل و نظم یافته برای دفاع وجود ندارد و لذا انسان احساس خطر می‌کند (دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۱/۹/۱۹).

دشمن این نبرد را علیه جمهوری اسلامی ایران راه‌اندازی نموده است. ما هم باید برای دفاع از خود و صیانت از منابع ملی، به حفاظت از باورها و افکار خود - که هدف و آماج این حمله‌ها است - پردازیم. البته اقدام مقابل در جنگ نرم، باید هم ابعاد کنشی و هم واکنشی داشته باشد. برای سامان دادن به این اقدامات و موفقیت در خنثی‌سازی جنگ نرم دشمن، باید آموزه‌های دینی و رهنمودهای مقام معظم رهبری را به‌عنوان نقشه راه بشناسیم و به کار بگیریم. «لحظه‌ای نباید متوقف شد. باید دائم در حال پیشرفت بود. چون دشمن منتظر خاکریز نرم است که نفوذ کند. دشمن منتظر توقف است تا حمله کند. بهترین راه برای متوقف کردن حمله دشمن و برهم‌زدن آرایش اول، حمله شماس است. پیشرفت شما، حمله به دشمن است» (دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۷۵/۹/۲۴). در این روند، مدیران فرهنگی کشور باید برای مدیریت در محیط بی‌ثبات و پویای آینده، علم آینده‌شناسی و بهره‌برداری از آن را بیاموزند (فیروزآبادی، ۱۳۸۸: ۱۹).

نقش نخبگان

«مقابله با تهاجم فرهنگی به قشر خاص محدود نمی‌شود» (دیدار جمعی از فرهنگیان و دانشگاهیان آذربایجان شرقی، ۷۲/۵/۹). بلکه بسیج عمومی نیاز دارد. در این بسیج، هر قشر و مجموعه‌ای، بخشی از این مسئولیت بزرگ را برعهده دارد. در این میان، نخبگان سهمی وزین و برجسته را باید ایفا نمایند. نخبگان صاحبان اندیشه‌اند که موتور

حرکت جامعه به سمت تعالی در ایده‌های آنها نهفته است. در واقع، تحرک و خلاقیت در تصمیم‌گیری و تفکر ملی - که از لوازم حیاتی استقلال کشور است - به نقش و همت آنها بستگی تام دارد. از این‌روست که نخبگان هدف راهبردی جنگ نرم دشمن به‌شمار می‌روند و به همین سبک، در مقابله با جنگ نرم نیز باید نقش راهبردی‌شان مورد توجه قرار گیرد. «هدف جنگ روانی، مرعوب کردن است. کسی را می‌خواهند مرعوب کنند؟ ملت که مرعوب نمی‌شود، توده عظیم مردم که مرعوب نمی‌شوند. چه کسی را می‌خواهند مرعوب کنند؟ مسئولان را، شخصیت‌های سیاسی را، به قول معروف خود ما نخبگان را؛ اینها را می‌خواهند مرعوب کنند» (دیدار با اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸۶/۱/۱).

۲۵

در واقع، در هر کشور هرمی از نظر ترکیب و بافت تصمیم‌گیری وجود دارد که دارای سه لایه نخبگان، نیروهای مدافع و ملت است. «آن‌طور که من احساس کرده‌ام و از مجموع کارهایی که دارد می‌شود، فهمیده‌ام، این است که حمله همه‌جانبه‌ای سازماندهی شده است آن کاری که می‌خواهند بکنند، این است که پشت جبهه انقلاب را کلاً در بازوهای خودشان بگیرند، پشت جبهه انقلاب مردم‌اند، خط مقدم مسئولان‌اند، بعد وابستگان شدید به مسئولین، بعداً هم خیل انبوه آحاد ملت». «سطح اول (نخبگان و مسئولان)، سطح راهبردی جنگ نرم است که به طریق اولی، اصلی‌ترین برنامه‌ها یا راهبرد دشمن علیه آنها جهت‌گیری می‌شود. به همین دلیل است که باید نخبگان را در این حوزه به‌صورت ویژه مورد بررسی قرار داد» (۷۰/۵/۲۳).

در عرصه جنگ نرم، نخبگان علمی، سیاسی و فرهنگی کشور دو نقش مهم دارند: از یک‌سو، باید خود را از گزند ترفندها و تهدیدهای نرم دشمن برهانند و از سوی دیگر، جامعه را با تولید آگاهی و دانش، در برابر این تهدیدها مصون بدارند. مقام معظم رهبری فرموده‌اند: «امروز جمهوری اسلامی و نظام اسلامی با یک جنگ عظیمی مواجه است، لیکن در جنگ نرم، چه کسانی باید میدان بیابند؟ قدر مسلم نخبگان فکری‌اند. یعنی شما افسران جوان جبهه مقابله‌ی با جنگ نرم‌اید». افسران جنگ نرم، هم باید به مقابله با تهدید نرم دشمن نسبت به خودشان و هم نسبت به جامعه اتخاذ تدبیر کنند و به روشنگری و ارائه راه‌حل بپردازند» (دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۸۸/۶/۴). مقام معظم رهبری هر دو مسئولیت و نقش را از نخبگان خواستار شده است. به تعبیر معظم‌له،

«فرماندهان این جبهه باید با شناخت مسائل کلان، شناسایی دشمن و کشف اهداف او، طراحی کلان انجام دهند و براساس این طراحی حرکت کنند». ایفای این نقش تنها زمانی ممکن است که نخبگان خود از تبدیل شدن به ابزار دشمن در این عرصه بپرهیزند. دشمن به خوبی این نقش را درک نموده است. از این رو، بخشی از برنامه‌های خود را برای هدف قرار دادن اندیشه‌ها و افکار نخبگان طرح‌ریزی نموده و متأسفانه در این زمینه، برخی نخبگان نیز ناآگاهانه یا آگاهانه به ابزار دشمن در تولید تهدید نرم تبدیل شده‌اند. یعنی به جای اینکه سازنده برنامه مصون‌سازی کشور از جنگ نرم بشوند، به بازیگران یا بازی‌خوردگان برنامه‌های دشمن پیوسته‌اند.

برای اینکه نخبگان بتوانند از گزند تهدید نرم دشمن رهایی یابند، باید خودسازی نمایند و با تجهیز به ایمان و علم، واکسینه شوند. «دانشجویان، افسران جوان این جبهه هستند که ضمن دارا بودن فکر، عمل و بصیرت، در صحنه نیز حضور دارند و با آموختن صحنه، در چارچوب، کار می‌کنند اما اساتید دانشگاه‌ها، فرماندهان جبهه جنگ نرم هستند». در نقش سلبی نخبگان که به معنای عدم تأثیرپذیری از فرهنگ غرب است، «باید مغزهای متفکر استاد و دانشجوی ما بسیاری از مفاهیم حقوقی، اجتماعی و سیاسی را که شکل و قالب غربی آنها در نظر برخی‌ها مثل وحی منزل است و نمی‌شود درباره‌اش اندک تشکیکی کرد، در کارگاه‌های تحقیقاتی عظیم علوم مختلف را حل‌جی کنند. روی آنها سؤال بگذارند. این جزمیات را بشکنند و راه‌های تازه‌ای بیابند (بیانات در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۷۹/۱۲/۹).

برنامه‌ریزی جامع فرهنگی

با توجه به اینکه جنگ نرم دارای صیغه فرهنگی است، اقدامات مقابل آن نیز باید با اولویت صیانت از فرهنگ خودی و آفند علیه فرهنگ مهاجم و نظام سلطه‌گر باشد. در رابطه با محورهای کلان و بایسته‌های برنامه‌ریزی و اقدام فرهنگی در این روند، نکات مهمی در بیانان مقام معظم رهبری وجود دارد که به برخی آنها به‌صورت گزیده اشاره می‌شود: «یک نظام حکومتی نمی‌تواند تمام تلاش خود را تنها برای تضمین امتیازات سیاسی، اقتصادی و سازندگی جامعه به کار گیرد و فکر و ذهنیت مردم را در معرض تصرف و تهدید کسانی رها کند که می‌خواهند مردم را به اصل دین، ولایت و انقلاب و اصل میهن‌دوستی

بدبین و مردد کنند و تأکید اینجانب بر اهمیت مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان نیز از همین مسئله ناشی می‌شود (بیانات در دیدار با مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۵/۳/۲۸). دشمنانی وجود دارند که دین و استقلال ما و حتی ارزش‌های ملی و غیردینی ما را با ابزارهای فرهنگی و تبلیغی مانند فیلم، سینما، خبرسازی و جریان‌سازی‌های جهانی مورد تهاجم قرار داده‌اند و برای سست کردن پایه‌های آنها تلاش می‌کنند. بنابراین سازندگی کشور بدون توجه به این مهم کار حکیمانه و عاقلانه‌ای نیست (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۱/۹/۱۹). تهاجم فرهنگی علیه تفکر اسلامی و جمهوری اسلامی ایران حرکت و مبارزه‌ای است که در عرصه‌های گوناگون فرهنگی وجود دارد و بر همین اساس برنامه‌ریزی برای مقابله با آن در سطوح مختلف از جمله در شورای عالی انقلاب فرهنگی، وزارتخانه‌های ذیربط و مطبوعات ضروری و اجتناب‌ناپذیر است» (بیانات در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۱/۹/۱۹).

۲۷

«امروز به نظر من، از همه خطرناک‌تر در داخل، روش‌های فرهنگی است. از اساسی‌ترین مسائل ما، مسائل فرهنگی است و من احساس می‌کنم که در زمینه اداره فرهنگ اسلامی این جامعه داریم دچار یک نوع غفلت و بی‌هوشی می‌شویم - یا شده‌ایم - که باید خیلی سریع و هوشیارانه آن را علاج کنیم (۶۹/۹/۱۴). در این زمینه از اعمال سلیقه هم باید جلوگیری کرد. ما باید مصونیت بدهیم. وقتی که احساس می‌کنیم خطر عمومی است باید کاری کنیم که مصونیت ببخشیم. اولین کاری که می‌کنیم باید این باشد که مرکزی را درست بکنیم برای تولید، برای فراهم کردن آنچه که به درد مردم می‌خورد و مفید است حالا این قضیه و مسئله تهاجم فرهنگی دشمن باید جدی گرفته شود. مجلات را ورق می‌زنم بسیاری از کتاب‌ها که چاپ می‌شود به خصوص کتاب‌های ادبی و فرهنگی را ورق می‌زنم، کتاب‌های خوبی نوشته می‌شود. اما آنچه که نوشته می‌شود، کمتر متوجه این مبارزه فرهنگی است» (۶۸/۹/۲۱).

جنگ نرم نبردی علمی و فناورانه است. از این‌رو، اقدام علیه آن نیز باید با ظرافت‌های علمی و به میدان آوردن هنر تمام‌عیار و با قالب مناسب باشد. «ما باید مسائل تهاجم فرهنگی را از لحاظ علمی و اصولی دنبال کنیم. در این جنگ نرم وظیفه مجموعه فرهنگی این است که هنر را تمام‌عیار و با قالبی مناسب به میدان آورد تا اثرگذار شود». «یک سخن قوی، محتوای متقن و بیان نافذ به مخاطب مستلزم استفاده از شیوه‌های هنری،

تسلط بر مخاطب، روحی و روانی و بهره گرفتن از شرایط زمان و مکان است. شیعه باید مدرن‌ترین شیوه‌های تبلیغ را برای رساندن پیام حق خود به دیگران مورد استفاده قرار دهد» (۶۸/۹/۲۱).

خوش‌بینی و استقامت

«مبارزه برای استقلال فرهنگی از همه انواع استقلال‌ها سخت‌تر است» (دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگر و روز معلم، ۷۷/۲/۱۵). شرط اصلی فعالیت درست شما در این جبهه‌ی جنگ نرم، یکی‌اش نگاه خوش‌بینانه و امیدوارانه است. نگاهتان خوش‌بینانه باشد. ببینید، من در مورد بعضی‌تان به جای پدربزرگ شما هستم. من نگاهم به آینده، خوش‌بینانه است؛ نه از روی توهم، بلکه از روی بصیرت. شما جوانید - مرکز خوش‌بینی - مواظب باشید نگاهتان به آینده، نگاه بدبینانه نباشد؛ نگاه امیدوارانه باشد، نه نگاه نومیدانه. اگر نگاه نومیدانه شد، نگاه بدبینانه شد، نگاه «چه فایده‌ای دارد» شد، به‌دنبالش بی‌عملی، به‌دنبالش بی‌حرکی، به‌دنبالش انزوا است؛ مطلقاً دیگر حرکتی وجود نخواهد داشت؛ همانی است که دشمن می‌خواهد (دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۸۸/۶/۴).

«استقامت کردن در مقابل فریب‌ها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد» (دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های یزد، ۸۶/۱۰/۱۳). در این راستا، عزم و امید به کمک الهی و توفیق بر دشمن و همچنین استقامت در این راه، همانند آنچه در دوران دفاع مقدس موجب پیروزی بر دشمنان شد، جملگی لازم و ضروری‌اند. نکته این است که بدانیم، مقابله با اقدامات فرهنگی دشمن، به ایجاد خاکریز فرهنگی و تجمیع قابلیت‌ها و ارتقاء توانمندی‌های فرهنگی در همه ابعاد آن، نیاز دارد. همان‌گونه که مقام معظم رهبری می‌فرمایند، برای مقابله با جنگ نرم باید به ایجاد سنگرهای فرهنگی پرداخت و از تمامی توان افراد مستعد کشور بهره گرفت و مهم‌تر آنکه «معارضه فرهنگی غرب با نظام جمهوری اسلامی یک معارضه عمیق و بلندمدت است. ایستادگی در مقابل اینها، روح حسینی می‌خواهد» (دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۷۵/۹/۲۴).

نتیجه‌گیری

برای مقابله هدفمند، اصولی و برنامه‌ریزی شده با این تهاجم دشمن، لازم است مدیریت متمرکز و هدایت‌کننده‌ای در امور فرهنگی به‌وجود آید و با توسل به ابزار و نیروی فرهنگی، تهاجم دشمن را علاج و تأثیر آن را خنثی کند (واکنش به تهدیدات رسانه‌ای آمریکا بر ضد ایران، ۸۵/۱۱/۱۱). برای تحقق یک راهبرد پدافندی و آفندی موفق، باید همانند صحنه‌های نبرد سخت، از افسران، برنامه‌ریزان، فرماندهان، نیروهای عملیاتی، سازوکارهای سنجش و برآورد تهدید و رصد مستمر محیط معاصر و آینده و یک سامانه ملی تصمیم‌گیری راهبردی برخوردار باشیم. این الزامات، علاوه بر صحنه سیاست داخلی، در پیشرفت و توسعه دستگاه سیاست خارجی (نائب، ۱۳۸۲: ۱۰۳) و دیپلماسی دفاعی (تیلا، ۱۳۹۰: ۵۶-۵۵) نیز محسوس است. برخلاف نبردهای دیگر که سرزمین‌محورند و صحنه جنگ به بخش‌هایی از جغرافیا محدود است، هدف اصلی جنگ نرم، استحاله هویتی ملت‌هایی است که رویکرد پذیرش و تمکین در برابر خواسته‌های غرب را ندارند. از این‌رو، این نبرد علیه اذهان و افکار یا اعتقادات شکل می‌گیرد و به‌جای تمرکز مستقیم بر سرزمین، قلوب و باورهای انسان‌ها را هدف قرار می‌دهد. بدون شک، این نبرد فراگیر اما نامحسوس است که در همه ابعاد زندگی ملت‌ها قابل تسری و جریان است و لذا، از همه ابزارها و علوم و فنون در این عرصه استفاده می‌کند. به همین دلیل اصلی‌ترین محیط جنگ نرم، محیط فکری است که در آن، نخبگان و مدیران جوامع در اولویت هدف‌گذاری جنگ نرم قرار می‌گیرند. به‌واقع، محیط تصمیم‌گیری، مهم‌ترین سطح در طیف جنگ نرم است که تغییرات ساختاری در جوامع آماج را به همراه دارد.

جنگ نرم، واقعیت امروز جهان بوده و به‌مثابه جریانی عینی در دوران معاصر صادق و قابل مشاهده است. وجود عینی جنگ نرم را مقام معظم رهبری نیز مورد تأکید قرار داده‌اند. از این‌رو، در واقعی بودن این نبرد، نباید تردید نمود. هرچند جنگ نرم و «تهاجم فرهنگی، مثل خود کار فرهنگی، اقدامی آرام و بی‌سر و صدا است» اما این بی‌صدایی نباید موجب غفلت از درک و شناخت زوایای مختلف آن یا موجب انکار این پدیده بشود. بلکه به عکس، این نبرد در عمل، در محیط‌های مختلف سیاسی و فرهنگی اعمال شده و در مورد جمهوری اسلامی ایران نیز در سال‌های اخیر این جنگ به‌صورت هدفمند و جدی توسط دشمن، دنبال شده است.

فرهنگ دفاعی، مرکز ثقل فرهنگ راهبردی کشورها محسوب می‌شود (عسگری، ۱۳۸۴: ۵). فرهنگ ایثار و شهادت و آموزه‌های دفاع مقدس، جنبه‌های نظری و عملی یک فرهنگ قوام‌یافته، منعطف و کارساز را در بخش دفاعی تضمین نموده است. با تکیه بر همین منابع است که می‌توان گفت آثار جنگ نرم دشمن در عرصه دفاعی به نسبت دیگر عرصه‌های آن، دارای نازل‌ترین درجه عینی است. اما این قوت مقاومت ملی و فرهنگ غنی دفاعی که متکی بر آموزه‌های دینی است، ما را از تقویت قوای دفاعی و شناسائی این قبیل تهدیدها و آمادگی مداوم در برابر آنها بی‌نیاز نخواهد کرد. به موازات مفهوم قدرت از مفاهیم صرفاً سخت به افزودن مؤلفه‌های نرم، بازدارندگی نیز به همان سبک دارای ابعاد سخت و نرم شده است. حتی غربی‌ها هم بازدارندگی را تحول‌یافته تلقی کرده‌اند، هر چند آن را صرفاً در قالب مفهوم «انقلاب در امور نظامی» (مورگان، ۱۳۸۴: ۱۲۹) بررسی کرده‌اند. به نظر می‌رسد که بازدارندگی نرم، در فراسوی این دگرگونی‌های سخت‌افزاری به صورت دقیق‌تر قابل درک است. به تعبیر رهبری، «نیروهای مسلح باید کاری کنند که هیچ دشمنی نتواند در استقلال و استحکام، یکپارچگی و تمامیت ارضی ما طمع کند» (حدیث ولایت، ج ۴: ۲۱۴).

دفاع نرم با ایجاد خاکریزهای مطمئنی صورت می‌گیرد که حاصل کاربرد یا هدایت مجموعه‌ای از نشانه‌های هم‌سو و هدفمند در قالب مفاهیم منطقی و سناریوهای سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی است (افتخاری، ۱۳۸۵: ۹۰). سخن آخر آنکه در جنگ نرم امروزین توجه به این نکته مهم و اساسی است که طراحی دشمن مبتنی بر جنگ گسترده و تمام‌عیار است. مفهوم دیگر این کلام آن است که تمامی عرصه‌های واحد مورد آماج در تهدید و یا تیررس مهاجم قرار دارند. براین اساس مدل جنگ نرم دشمن علیه نظام مبتنی بر انقلاب اسلامی، حمله همه‌جانبه، مستمر و درازمدت در همه عرصه‌های جامعه و نسبت به همه اقشار و صنوف و سنین مختلف می‌باشد.

منابع

الف - کتاب‌ها و مقاله‌ها

۱. افتخاری، سیداسماعیل. (۱۳۸۵). راهبرد معناشناختی تولید قدرت نرم. فصلنامه سیاست دفاعی. شماره ۵۷-۵۶. پائیز و زمستان.
۲. الیاسی، محمدحسین. (۱۳۸۴). عملیات روانی آمریکا علیه جهان اسلام. فصلنامه راهبرد دفاعی. شماره ۷. بهار.
۳. امام خمینی (ره). صحیفه نور. جلد ۹.
۴. بریلر، پاول. (۱۳۸۹). روان‌شناسی و ارتش: ارتقای قدرت مبارزه از طریق تسلیم داوطلبانه. عبدالله حیدری. فصلنامه نگاه. شماره ۱۰.
۵. بلوجی، حیدرعلی. (۱۳۸۸). آماد و پشتیبانی نظامی و تأثیر آن بر توان نظامی کشورها. فصلنامه راهبرد دفاعی. پائیز. شماره ۲۶.
۶. تائب، سعید. (۱۳۸۲). توسعه دستگاه سیاست خارجی: یک الزام برای توسعه کشور. فصلنامه راهبرد دفاعی. پائیز. شماره ۱.
۷. تیل، پروانه. (۱۳۹۰). مینا و ماهیت دیپلماسی دفاعی جمهوری اسلامی ایران از منظر وزیر دفاع. فصلنامه دیپلماسی دفاعی. بهار. شماره ۳.
۸. سازمان مدارک فرهنگ انقلاب اسلامی. (۱۳۷۵). فرهنگ و تهاجم فرهنگی.
۹. عسگری، محمود. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر فرهنگ استراتژیک. فصلنامه راهبرد دفاعی. شماره ۱۰.
۱۰. فیروزآبادی، سیدحسن. (۱۳۸۸). راه‌های تبلیغ و روش‌های مبارزه با شبیخون فرهنگی دشمنان. در: ساعد و احمدزاده. مهندسی و آینده پژوهی در عملیات روانی. معاونت فرهنگی ستادکل نیروهای مسلح.
۱۱. متقی، ابراهیم. (۱۳۸۶). ایران و آمریکا در بستر تعاملات نرم‌افزاری قدرت و امنیت. نامه دفاع. مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی. شماره ۱۵.
۱۲. مطهری. مرتضی. (۱۳۶۲). خدمات متقابل ایران و اسلام. انتشارات صدرا.
۱۳. مورگان، پاتریک. (۱۳۸۴). انقلاب در امور نظامی و بازدارندگی. فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی. بهار. شماره ۴۲.
۱۴. مؤسسه الامام الخمينی الدولیه للثقافه و الفن و الدراسات. (۱۹۹۸). آمریکا فی فکر الامام الخامنئی.

ب - بیانات مقام معظم رهبری (مدظله)

۱. گردهمایی ائمه جمعه سراسر کشور ۷۰/۶/۲۵
۲. دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی به مناسبت هفتمین سال تشکیل این شورا، ۷۰/۹/۲۰

۳. دیدار با وزیر و معاونین آموزش و پرورش، ۷۰/۱۰/۲۵
۴. دیدار وزیر و معاونین و روسای مناطق آموزش و پرورش، ۷۱/۵/۲۱
۵. دیدار با فرماندهان سپاه، ۷۱/۶/۲۶
۶. دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۷۱/۹/۱۹
۷. آغاز دهمین گردهمایی سراسری ائمه جمعه، ۷۳/۶/۲۱
۸. دیدار مسئولان سازمان تبلیغات اسلامی، ۷۵/۳/۲۸
۹. دیدار پاسداران انقلاب اسلامی به مناسبت روز پاسدار، ۷۵/۹/۲۴
۱۰. دیدار خانواده‌های معظم شهدا، مفقودان، جانبازان و آزادگان استان خوزستان، ۷۵/۱۲/۱۸
۱۱. دیدار با کارگران و فرهنگیان کشور به مناسبت روز کارگرد و روز معلم، ۷۷/۲/۱۵
۱۲. پیام به ملت ایران، ۷۷/۱۱/۲۱
۱۳. پس از بازدید از نمایشگاه کتاب در حسینیه امام خمینی، ۷۸/۷/۲۸
۱۴. خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۷۹/۲/۲۳
۱۵. دیدار مدیران و هنرمندان دفاع مقدس، ۷۹/۷/۶
۱۶. در اجتماع بزرگ مردم اراک، ۷۹/۸/۲
۱۷. در جمع دانشجویان و اساتید دانشگاه صنعتی امیرکبیر، ۷۹/۱۲/۹
۱۸. در دیدار با مردم سیستان و بلوچستان، ۸۱/۱/۶
۱۹. دیدار با اعضای ستادهای نماز جمعه سراسر کشور، ۸۱/۵/۵
۲۰. دیدار با اعضای انجمن قلم، ۸۱/۱۱/۷
۲۱. جمع دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۸۲/۲/۲۲
۲۲. دیدار رئیس و مدیران سازمان صدا و سیما، ۸۳/۹/۱۱
۲۳. دیدار علماء و روحانیون کرمان، ۸۴/۲/۱۱
۲۴. واکنش به تهدیدات رسانه‌ای آمریکا بر ضد ایران ۸۵/۱۱/۱۱
۲۵. دیدار با اجتماع بزرگ زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸۶/۱/۱
۲۶. دیدار با دانشجویان دانشگاه‌های یزد، ۸۶/۱۰/۱۳
۲۷. دیدار خانواده شهدا و ایثارگران کردستان، ۸۸/۲/۲۲
۲۸. دیدار دانشجویان و نخبگان علمی، ۸۸/۶/۴
۲۹. دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۸۸/۷/۲
۳۰. دیدار جمع کثیری از بسیجیان کشور، ۸۸/۹/۴